



اسلام در انگلیس

در نیمه اول قرن بیستم، با ورود مسلمانان از **شبه قاره هند** به بریتانیا **اسلام** وارد انگلیس شد. دولت بریتانیا اسلام را به عنوان یک **دین** به رسمیت نمی‌شناسد و تنها دین به رسمیت شناخته شده، مسیحیت پروتستانی انجیلی است.

فهرست مندرجات

- [۱ - تاریخچه ورود اسلام](#)
- [۲ - مساجد و مراکز اسلامی](#)
- [۳ - اسلام در زندگی عمومی انگلستان](#)
- [۴ - موفقیت مسلمانان در بریتانیا](#)
- [۵ - منبع](#)

تاریخچه ورود اسلام

تاریخ مسلمانان بریتانیا به بیش از یک قرن گذشته، زمانی که گروه‌هایی از مسلمانان کارگر برای کار در بندر و کلانجالت در پی دوران استعماری، وارد این کشور شدند و عده‌ای از آنها بطور طبیعی، برای برپایی نمازخانه‌هایی که در آنها به ادای فریضه **نماز** بپردازند، به دور یکدیگر جمع شدند، باز می‌گردند. در سال‌های اخیر، دانشگاه یک مسلمان سومالیایی را که در قرن گذشته، به **جهنم قتل اعدام** شده بود، تیرنه کرد و مشخص شد که وی مرتکب آن نشده و قربانی **ظلم** و **ستم** شده است. اولین جالبه عربی در بریتانیا، جالبه یمنی بوده که تعدادی از آنها به عنوان کارگر، در حدود یک قرن پیش وارد بریتانیا شده و به مرور زمان افزایش یافته‌اند و در مناطق شمال غرب بریتانیا متمرکزند. در نیمه اول قرن بیستم، مسلمانان از **شبه قاره هند** به بریتانیا مهاجرت کردند. دامنه این مهاجرت در دهه‌های پنجاه و هفتاد گسترش یافت. ضمناً این دوران، شاهد مهاجرت‌هایی از جزایر هند غربی و دریای کارائیب (آمریکای مرکزی) بود که رنگین پوستان و سیاه پوستان، بعدها به صورت کامل، شهروندان بریتانیا شدند. در میان آنها، تعدادی از مسلمانانی بودند که از کشورهایی مانند جامائیکا آمده بودند و فرزندانشان نمایندگان دارای ریشه‌های آفریقایی بوده، درصد مهمی از جامعه بریتانیایی غیر سفیدها را تشکیل می‌دادند. اما مسلمانان بریتانیا به عنوان کارگرانی که در مرکز امپراتوری در جستجوی فرصت‌ها بودند، به عناصری فعال مبدل شدند و دورانی که خورشید در سرزمین‌هایش غروب نمی‌کرد، پایان یافت. امروزه، مسلمانان در تمامی طبقات اجتماعی پراکنده شده‌اند و تنوع ریشه‌های نژادی و ملی آنان افزایش یافته است و در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی، در عرصه سیاسی فعال‌ترند.

مساجد و مراکز اسلامی

پس از اینکه مساجد، مراکزی برای اجتماعت کوچک بود و تعدادی از کارگران مسلمان برای گذران اوقات فراغت یا پس از وقت کاری، بدان پناه می‌بردند، سازمان‌های اسلامی، حدود یک هزار مؤسسه در سرتاسر بریتانیا تاسیس کردند. این سازمان‌ها (مساجد، مدارس، مؤسسات و هیئت‌های خیریه) در میان جالبه‌های مسلمان که تعدادشان به حدود ۲ میلیون نفر می‌رسد، نقش مهمی ایفا می‌کنند. برخی تعداد **مسلمانان** را ۳ میلیون تخمین می‌زنند؛ هرچند تعدادشان در مقایسه با جمعیت ۶۰ میلیونی، کوچک به نظر می‌رسد، اما بر سرعت گسترش **اسلام** دلالت می‌کند.

اسلام در زندگی عمومی انگلستان

دولت بریتانیا اسلام را به عنوان یک **دین** به رسمیت نمی‌شناسد و تنها دین به رسمیت شناخته شده، مسیحیت پروتستانی انجیلی است. اما دموکراسی بریتانیایی برای پیروان سایر ادیان، آزادی فعالیت‌های عبادی و شعائر را ضمانت کرده است و اسلام برخوردار از احترام رسمی است، به‌طوری که ولی عهد امیر چارلز در بیشتر مناسبت‌ها، پیرامون مفاهیم اسلامی و تعالیم آن و نیز در مورد سایر ادیان، سخنرانی کرده است. همچنین امیر چارلز ریاست افتخاری مؤسسه اسلامی آکسفورد را پذیرفته است. طی سالیان اخیر، احزاب سیاسی بریتانیا، به‌ویژه حزب حاکم کارگر، طی برگزاری انتخابات، مسلمانان را به‌عنوان جالبه خطاب می‌کردند و به آنها وعده‌هایی دادند، هرچند مسلمانان بریتانیایی در مقایسه با **یهودیان** و برخی گروه‌های هندی غیرمسلمان مانند سیک‌ها که دارای پشتیبانی خوبی هستند، دارای تأثیر ضعیفی می‌باشند. مساجد اسلامی در بیشتر شهرهای بریتانیا پراکنده شده‌اند. برخی کانال‌های تلویزیونی، برنامه‌هایی پیرامون دین اسلام پخش می‌کنند، در حالی که رسانه‌های گروهی هنوز در بیشتر اوقات، با نقل اختیاری و جانبدارانه رخدادهای برخی کشورهای اسلامی، به چهره عمومی مسلمانان لطمه می‌زنند و بدین طریق، در شعله‌ور ساختن برخی افکار نژادپرستان و احساس **رعب** و **وحشت** در برابر اسلام، مشارکت می‌جویند، به طوری که اخیراً "لفظ اسلام ترسی" یا "اسلاموفوبیا" بر آن اطلاق می‌شود. طی سه دهه اخیر، مسلمانان تلاش کرده‌اند تا فعالیت‌شان را سازماندهی نمایند، اما اختلافات مذهبی و طائفه‌ای و حتی سیاسی و نژادی در برخی موارد مانع آن شد و هیئت‌هایی مانند پارلمان اسلامی که شکل گرفته بودند، عرصه را بر سایر تشکلهای متعدد اسلامی که در میدان فعالیت بودند، تنگ کردند.

موفقیت مسلمانان در بریتانیا

شاید اولین تلاش جدی برای جمع آوری آرای مسلمانان، در سال ۱۹۹۷ بود؛ به طوری که تلاش چهره‌های سرشناس جالبه مسلمانان از تمامی گرایش‌ها و وابستگی‌ها به ثمر نشست و در ۲۳ نوامبر ۹۷، تشکیل پارلمان اسلامی بریتانیا اعلام شد که اکنون، حدود ۲۵۰ سازمان اسلامی در آن عضویت دارند. شورا اولین جلسه مجمع عمومی را در اول مارس ۱۹۹۸ تشکیل داد و اعضای شورا، از سوی سازمان‌های تحت پوشش، انتخاب شدند و موفق به کسب شناسایی غیر رسمی از سوی حکومت و بیشتر هیئت‌های رسمی و حزبی در کشور گردیدند. حکومت با سازمان‌های اسلامی و مؤسست خارجی، در چارچوب پارلمان اسلامی بریتانیا، تماس‌هایی داشته است.

طی دو سال اخیر، مسلمانان در صحنه سیاسی بریتانیا، به موفقیت‌هایی زیادی دست یافته‌اند. فعالیت آنها بیشتر به شوراهای شهرداری و محلی محدود می‌شد، اما اکنون به پارلمان راه یافته‌اند و عده‌ای از آنها، به عضویت مجلس عوام و اعیان (لردها) درآمده‌اند. آمار دقیقی پیرامون تعداد مسلمانان عضو شورای شهرداری‌ها در دسترس نیست، اما منابع جالبه، تعدادشان را در سراسر بریتانیا حدود ۵۰ نفر برآورد می‌کنند که نسبت‌اندکی را تشکیل می‌دهد. اولین نماینده مسلمان در انتخابات سراسری مجلس عوام در ماه مه ۱۹۹۷، پیروز گردید و میلیونر بریتانیایی آسیایی الاصل، "محمد سروار"، از طرف حزب کارگر در منطقه گلاسکو جوان اسکاتلند وارد مجلس شد. اما این تجربه، به سرعت با دشواری‌های تلخی روبرو شد، به طوری که با انتشار شایعاتی در مورد دست داشتن سروار در افشاح **رشوه**، احسلس ناکامی و شکست فراگیر شد و نامبرده، از سوی رقبای شکست خورده در انتخابات، متهم گردید و عضویت وی در حزب، تا رسیدگی به مساله از سوی دادگاه، به حالت تعلیق درآمد.

سروار که ثروتش به ده‌ها میلیون پوند می‌رسید، بیست سال پیش به بریتانیا مهاجرت کرده است. وی اولین مسلمانی بود که به نامزدی حزب سیاسی بریتانیا برای احراز کرسی در مجلس عوام دست می‌یافت. حزب کارگر به کرسی حوزة انتخابیه‌اش برای سالیان متمادی حاکمیت داشت و انتخابات اخیر نیز شاهد نامزدی عده‌ای از اعراب و مسلمانان بود که هیچ‌یک از آنان نتایج رضایت بخشی را کسب نکردند و هماهنگی منظمی میان اعضای جالبه وجود نداشت.

طی سال گذشته، اولین لردهای مسلمان به مجلس اعیان راه یافتند. روزنامه مسلمان بریتانیا در ابتدا به اینکه نامزدی از مسلمانان در لیستی که از سوی ملکه به مناسبت روز تولش به عنوان افرادی که به جامعه خدمت کرده‌اند و به عضویت دائمی مجلس اعیان در می‌آیند، نیامده است، اعتراض کرد. در حال حاضر، تعداد لردهای مسلمان به ۴ نفر می‌رسد. ۳ نفر از آنان، با توجه به عضویت دائمی در حزب کارگر وارد مجلس اعیان شده‌اند، اما القاب آنان، به صورت ارثی به فرزندان منتقل نخواهد شد. اما لرد چهارم یک بریتانیایی است که کرسی را از پدر لرنش به ارث برده است و به **اسلام** گرویده است.

به مناسبت آغاز سال نو میلادی، ملکه الیزابت دوم، تعدادی از القاب را در چارچوب لیستی که شامل صدها نفر بود، به مسلمانان داد. ملکه در لیست تجلیل‌های اخیر، به یک مسلمان مقام قهرمانی عطا کرد تا اینکه لقب "سر" را که مخصوص اشراف بریتانیا بود، به خود اختصاص دهد، اما پنج مسلمان دیگر به نشان ام. بی. ای (عضو امپراتوری بریتانیا) نائل شدند که در میان آنها، نام یک زن بریتانیایی یمنی الاصل، نسیم حمید، به چشم می‌خورد. دو مسلمان دیگر به لقب او. بی. ای دست یافتند.

احمد یرسی، سردبیر مسلم نیوز که در لندن به زبان انگلیسی منتشر می‌شود، می‌گوید: "علیرغم دستاوردهایی که مسلمانان بدست آورده‌اند، آنها به فکر تحقق هرچه بیشتر اهداف هستند تا در خور و شایسته جالبه باشند." یرسی اضافه می‌کند: "تاکنون مسلمانی، به حکم ارائه خدمات به جامعه، به عضویت مجلس اعیان دست نیافته است، در حالی که در میان مسلمانان، چهره‌هایی هستند که استحقاق این تجلیل‌ها را دارند، اما این امر، از اهمیت دستیابی مسلمانان به مجلس اعیان نمی‌کاهد، هرچند برپایه و اساس حزبی باشد."

مسئولان بریتانیایی به طور منظم، با دو نماینده جالبه مسلمان دیدار می‌کنند. در یک فلجت، وزیر مشاور در امور خارجی، تقریباً هر یک ماه و نیم، با تعدادی از مسئولان جالبه مسلمان ملاقت می‌کند. جک استراو، وزیر کشور بریتانیا، موفق شده بود با مسئولین مسلمان دیدار کند. آخرین دیدار به منظور بررسی قانون جنایت و پیش از تقدیم آن از سوی دولت مرتبه، در پی شعلور شدن بحران اخیر میان **عراق** و **آمریکا** و انگلیس، با جک استراو ملاقت کردند. "روزنامه‌نگاران مسلمان طی این دیدار، نگرانی‌شان را در مورد مداخله انگلیس در عملیات نظامی علیه عراق که بیشتر جان قربانیان غیر نظامی را به خطر می‌انداخت، ابراز داشتند.

مسلمانان معتقدند که بیش از آنچه بدان دست یافته‌اند، **استحقاق** دارند. اما آنان به شناسایی دولت (از سوی دو حزب) نرسیده‌اند. این امر پس از دستیابی حزب کارگر به قدرت نیز ادامه دارد. در حالی که ده‌ها مدرسه اسلامی در مورد ظرفیت فرزندان مسلمان در تنگنا هستند، در انتظار این شناسایی بسر می‌برند تا مستحق کمک‌های دولتی گردند و از فشار مالی بر دانش آموزان بکاهند. شایان ذکر است، تعداد زیادی از مدارس یهودی و مسیحی در نتیجه شناسایی و برخی از آنها بر اساس کمک‌های دولت، تاسیس شده‌اند. بر عکس، مدارس اسلامی از حمایت مطلوب محروم هستند. هرچند در بیشتر مواقع با **مسلمانان** با **احترام** رفتار می‌شود و به آنها این اجازه داده شده است تا در برابر محاکم بریتانیا به **قرآن سوگند** یاد کنند، اما عدم شناسایی رسمی، پایبندی به قوانین مربوط به رفتار با شهروندان سایر ادیان را به آنها دیکته می‌کند.

مأخذ:

مجله المجتمع، شماره ۱۳۳۴، ۱۲۹۹/۱/۱۲.

منبع

[پایگاه اطلاع رسانی حوزه، برگرفته از مقاله «اسلام در انگلستان»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۶/۶/۹.](#)